

نقش موازین اخلاقی در انسانی سازی جامعه

مسئله اخلاق از جمله مسائل مهم فلسفه عملی است. یعنی اندیشه و رویکرد های فکری و شناختی انسان در مورد اساس استواری: کردار، رفتار و گفتار وی، و معرفت عینی از برتریها و فرومایگیهای اخلاقی، و جهت یابی حصول موازین اخلاقی و آداب و معاشرت انسانی در جوامع بشری می باشد.

اصول اخلاقی حرکتی است از تاریکی بسوی روشنایی، از جنگ بسوی صلح، از نکبت و خواری و تیره بختی و پریشانی، بسمت، مهر و داد، دوستی، صداقت و عشق. انسان عاقل بمدد شعور و آگاهی خویش و با فهم درست از ماهیت علمی اصول اخلاقی و با توجه ملکات و صفات حمیده و درک عینی از کرامت و نجابت انسان، جهت رهیافت بسوی خوشبختی اش میتواند راه جاویدانه را به جهان آسایش زیست باز نماید.

چراکه؟ در شرایط کنونی همه جا اعمال راهکار های بد و ناشایسته ای غیر اخلاقی کرامت انسان را تهدید می کند. و جهان بشریت بشمول شهروندان افغانستان از انجام: فساد و جنایات گسترده، آدمکشی و رهنی، دزدی و چور و چپاول، غصب دارایی های عامه، معامله گری و وطن فروشی، رشوه خواری و ریاکاری، تعصب و بدبینی، عصبیت و ستمگستری، رنج می کشند.

این تزلزل و سوءنیت اخلاقی مجموعه ای از کردار و رفتار ناپاکی است که از عدم تهذیب اخلاق انسانی و فقدان بصیرت که متنافی خیر و صلاح جامعه است، ناشی می شود. من با تأیید نگرش فلاسفه، اساس همه معاصی جامعه را در تاریکی اندیشه، جهل و نادانی و فقر می بینم، و هر نوع جنایت را ناشی از عدم دانایی کامل از کرامت انسانی و اخلاق عملی، می دانم.

ما می بینیم در جوامع ای که نظم اجتماعی قانون برقرار است مفهوم و معنای انسانی: عدالت، آزادی و سعادت و نیکی، رنگ و بوی دیگری دارد. و فاصله میان قدرت دولتی و مردم وجود ندارد. و حاکمیت مردم سالار، حامی واقعی منافع ملی و خوشبختی و سعادت شهروندان جامعه است. در همچو بستر امن و آسایش اجتماعی است که شهروندان چنین جوامع از تربیت کامل و موازین اخلاقی و هوشیاری برخوردار بوده و درخت سبز همبستگی و همزیستی آن، از چشمه ای مراد مناسبات متعادل حقوق شهروندی سیراب می شود.

در جوامع کم رشد و نیمه رشد که هنوز عهد شکنی عمیق اجتماعی و اقتصادی به قوت خود باقی است، تجادل و تنازع و ناهمگونی سطح زیست، نبود قانونیت و امنیت، پیش شرط زمینه سازیست برای تبارز و تحکیم حاکمیت خود محور، که در همچو شرایط حاکمان قدرت مدعی اند که عدالت همانا اطاعت شهروندان تهی دست، از منافع زراندوزان و قدرت مندان می باشد. اگر کسی خلاف این منافع حاکمیت قرار گیرد مانند یک مجرم تجاوزکننده، بوسیله قانون خود ساخته ایشان، مکافات به مرگ می شود.

اما در درک و اصول و موازین اخلاقی، موضوع اصلی همان مفهوم است که: آیا درست کاری و صحت عمل را پذیرفت؟ یا دنبال قدرت رفت. بگونه دیگر:

آیا نیرومند بودن بهتر است یا نیک بودن؟ آیا شرافت و کرامت نفس پیشه کرد؟ و یا... چیز دیگری؟ من به این باورم که: شرافت و کرامت نفس پیشه کردن، رفتار و کردار نیک را پذیرفتن در این دنیا عمل شایسته و بایسته ای است. و از ارزش اخلاقی برخوردار است و پیوسته با مفهوم عدالت و آزادی در مرکز توجه خردمندان نیز قرار داشته است.

اما بحث ما درین جا این است که مراعات همچو ارزشهای اخلاقی چه گونه کمکی به زندگی و آزادی انسان و خوشبختی و سعادت وی میرساند. آیا با شریف بودن و خوب عمل کردن انسان میتواند آزادی

خویش را از حصارهای وضع شده جبری جامعه رها نماید ، و یا نیازشکم خود را مرفوع سازد و خوش بختی خویش را تأمین کند . آیا پذیرش موازین اخلاقی ضامن موفقیت و پیروزی انسان در کل می شود یاخیر ؟

بقیده ما وزنه ای موازین اخلاقی هر فرد جامعه وابسته به بستر ثروت و دارایی مادی و معنوی خانواده و محیط زیست وی می باشد. بناً انسانی سازی این بستر از الویت های سیاسی نظام های انسان گرا است.

این یک حقیقت مسلم است که همه جدال ملی و بین المللی بر سر تصاحب ثروت بیشتر است . که ما اسم این ثروت (قدرت و شهوت ، مادیت) را « نان سفید » می گذاریم . مبارزه برای بدست آوردن این « نان سفید » بگونه های متفاوت در سراسر جهان جریان دارد .

حاکمان کشور ما نیز در اعصار گذشته و حال چشم درد در پی بدست آوردن بیشتر همین « نان سفید » بوده و می باشند .

اینکه ایشان زیر عنوان : رهبر ، شاه ، امیر ، رئیس جمهور و غیره خود را جا می زنند . و در لباس اندیشه های چپ و راست و میانه در قالب های قوانین قلبی خود ساخت ، خویش را قابل قبول به مردم می سازند . و از تابش آفتاب صلح و فراوانی زمین بارور و حیات مرفه برای مردم ، حرف می زنند ، این همه ریاء و تزویر در رفع خواست و آهنگ مادی پرستانه خود آنها می باشد ، جز این ؟ چیز دیگری بیش نیست .

مثال روشن حکومت حامد کرزی یکی از این نمونه هاست : که در 12 سال عمر غیر قانونی اش به جز دروغ گفتن ، تقویه جنگ و خشونت ، قتل بی هدف هزاران هزار جوانان هم وطن در دفاع از نظام و مخالف نظام ، تولید و ترافیک مواد مخدر ، اعمال ریاء و فریب سیاسی ، ازدیاد فساد اخلاقی و اداری ، عدم قانونیت و امنیت ، تشدید بیکاری و فقر و فحشا بوده ، و کدام دست آورد دیگری ندارد .

و اعتراف چنین اعمال خشونت مآبانه و ناقض حقوق بشر را در بیانات و مصاحبه های شخص خود آقای رئیس جمهور میتوانید ملاحظه فرمائید .

بر اثر ایجاد شرایط ناگوار تشنج زای سیاسی از قبل پلان شده در کشور ما ، اینکه چند هزار معدودی از وابستگان خونی ، و همرازان سیاسی و گروهی حامد کرزی ثروت این سرزمین را در گروی خود دارند عمر این گروگان گیری هم پایانی دارد .

مگر تعلق به بازگویی بحث ما ندارد . این مسئولیت ، وابسته به دادگاه واقعی و کشیدن پای چنین گروگیران به میز عدالت قانون خواهد بود .

بحث ما روی موازین اخلاقی و انسانی سازی جامعه می چرخد . چون سعادت افراد مرهون سعادت جامعه است . بناً تلاش بر این است که ما در این راستا سیستم فکری و اصول اخلاقی ناب ای را ایجاد نمایم که هدف واقعی آن پیرایش شخصیت شهروند جامعه با موازین اخلاقی حکمت ، شجاعت ، عفت ، عدالت و خداپرستی باشد .

آنگاه اصولی را تبیین نموده ایم که در آن ! روشنایی عزت و محبت و احترام به انسان در شعایش است . زیرا عشق پاک به انسان از ذهن خود آگاه روشن بین و از فکر پاک و عقل سلیم تراوش می کند . و در وفاق دنیای درونی و بیرونی انسان ، اختیاری در حفظ شرافت نفسانی ، حُسن خُلق و علوهمت در عمل هویدا می شود .

نبود همین عشق پاک و عقل سلیم در کنه ذاتی گروه تفنگ بدستان برادران ناراضی آقای حامد کرزی بوده که بی باکانه در جنوب و ولایات شمال بویژه در کندوز و پروان به اصالت انسانی شهروندان گرامی ما ارج نگذاشتند و با چه بیرحمی و بربریت به کرامت شخصیت مادر و پدر این سرزمین دست درازی کردند و ایشان را سنگسار و تیرباران نمودند .

به امید آن روزی که شهروندان جامعه ما در همبستگی انسانی و اخلاقی و احترام و عزت زیست نمایند و آفتاب صلح و آزادی و عدالت اجتماعی بر فراز این سرزمین جاویدانه به تابش آید .

باعرض حرمت

Dr. Basir Komjo